

# نوع نسبتاً آرمانی محسن نامجو

شیرین کریمی



چرا در جنبش #من هم (#MeToo) ایرانی مورد  
محسن نامجو مهم است؟



تا امروز جنبش #من هم عیان کرده است انواع آزارهای جنسی در جامعه چقدر فراوان است و هر مکانی (محل، خانه، خیابان، محل کار، دانشگاه، مدرسه، پارک و حتا مسجد) می تواند مکانی بالقوه برای آزارگری باشد و هر شخصی (استاد دانشگاه، معلم، همسایه، روشنفکر، هنرمند، فامیل و حتا والدین) می تواند آزارگری بالقوه باشد و البته بالفعل بودن آنها را هم ثابت کرده است. در میان روایت های تجاوز و متهمان به تجاوز جنسی، می توانیم به محسن نامجو، خواننده ی نوآور و پرطرفداری که «متهم» به آزار و تجاوز جنسی شده است، از زاویه ی دیگری توجه کنیم. چراکه مورد محسن نامجو علاوه بر مسئله ی تجاوز و آزارگری، مسائل مهم دیگری را هم طرح و تصریح می کند.

محسن نامجو خواننده و نوازنده ی سه تار و گیتار است، ده ها قطعه ساخته و در سال های فعالیتش در ایران و خارج از ایران نیز در ترانه هایش بخشی از درد های جامعه را بازتاب داده و در حوزه ی کارش توانسته است به شهرت و اعتبار برسد. سال ۱۳۹۹ دست کم پنج مورد اتهام آزار جنسی علیه او طرح شد، او در شهریور ۱۳۹۹ [در مصاحبه با بی بی سی فارسی](#) این اتهامات را شایعه خواند و رد کرد. اما وقتی اشخاصی حقیقی روایت گر «تجاوز و آزار» محسن نامجو شدند، نامجو در ویدیویی که از خود منتشر کرد متنی از پیش نوشته شده را قرائت کرد و در آن از کسانی که از سوی او «آزار» دیده اند «صمیمانه»، [خالصانه و متواضعانه](#) عذرخواهی کرد. اما کمی بعد فایل صوتی از محسن نامجو منتشر شد که در آن با ادبیاتی کاملاً متفاوت از آنچه در فایل ویدیویی گفته بود به زنانی که او را به آزار و تجاوز جنسی متهم کرده بودند به تندی حمله کرد. حمله های نامجو به افشاگران و حامیان افشاگران ادامه پیدا کرد. اما پرسش بسیاری از افراد، از جمله طرفداران محسن نامجو و کسانی که «هنر» را از «هنرمند» جدا می دانند این است که چرا این همه به نامجو می پردازید و به تجاوز و آزار دیگران توجه نمی کنید، خیلی ها هنرش را تحسین می کنند و ترجیح می دهند به زندگی خصوصی اش کاری نداشته باشند. حتا زنان و معترضان به آزارها و تجاوزهای جنسی متهم به دروغ گویی و متهم به ترور شخصیتی شدند. از قضا یکی از پرسش های خود محسن نامجو هم همین است که «چرا به قتل

"رومینا" به دست پدرش نمی‌پردازید؟" هر چند چنین پرسشی «خارج شدن از ریل» است و در هر مسئله‌ای که طرح می‌شود می‌توان با طرح چنین پرسش‌هایی مسئله را به بیراهه برد، مبهم کرد و پس راند، و البته فعالان جنبش #من‌هم و سایر فعالان حقوق بشر به تمام موارد آزار و تجاوز و قتل در جای خود پرداخته‌اند و توجه‌شان به موارد مختلف همچنان ادامه دارد. اما چرا مورد نامجو در جنبش #من‌هم اهمیت دارد؟

هر جنبشی اهدافی دارد و یکی از هدف‌های هر جنبشی همراه کردن طیف بیشتری از مردم و آگاه کردن شمار بیشتری از مردم از وجود مسئله یا دردی است که آن جنبش برای رفع آن فعال می‌شود و مبارزه می‌کند. مورد نامجو، به واسطه‌ی شهرت نامجو و فعال شدن رسانه‌ها درباره‌ی این اتهام‌ها و توجه بیشتر مردم به آن، مورد مهمی برای جنبش #من‌هم است.

از یک جنبه، مورد نامجو مهم است زیرا رابطه‌ی او و افرادی که او را متهم به آزار جنسی کرده‌اند مبتنی بر همان «اقتدار»ی است که در رابطه‌ی نابرابر زنان و مردان در جامعه‌ی ما، به مردان آمریت و عاملیتی برای تعرض، آزار و تجاوز داده است. اگر پدر «اقتدار»ش را از مناسبات دیرینه‌سال پدرسالارانه و وابستگی معیشت خانوار به او به دست آورده و همکار مرد جایگاه برترش در سلسله‌مراتب سازمانی را جایگاهی برای تعرض و آزار به زنان یافته، نامجو هم از توان و قریحه‌ی هنری و از شهرتش به‌مثابه‌ی ابزاری برای اعمال اقتدار و به تبع آن آزار زنان بهره برده است. پس از این جنبه می‌توان گفت داستان همان داستان همیشگی است، بازیگران متفاوت‌اند.

اما از جنبه‌ای دیگر، که نگارنده در این نوشتار بر آن تمرکز دارد، مورد نامجو مهم است چون رفتار او پس از افشاشدن تجاوزها مهم است، اگر متهم پس از افشا سکوت می‌کرد احتمالاً به تدریج رسیدگی به اتهامش به پرونده‌ی او و شاکینش محدود می‌شد و توجه عمومی به سایر اخبار پرت می‌شد. اما نامجو سکوت نکرد، حاشا کرد و بحث‌های دیگری را طرح کرد. رفتارهای نامجو پس از افشاگری‌ها پرتکرار، صریح،

حساسیت برانگیز و تأمل برانگیز است. نامجو شخص شناخته شده‌ای است و حرف او و حرف معترضان به رفتار او طیف وسیع تری از مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یعنی همان چیزی که جنبش‌های اجتماعی به دنبال آن‌اند، اثرگذاری و رساندن صدای خود به گوش شمار بیشتری از مردم به امید تغییر. ادعای نگارنده این است که در این وقایع محسن نامجو به «نوع آرمانی» (*Ideal Type*) نزدیک و به «نوع نسبتاً آرمانی» در جنبش #من هم ایرانی تبدیل شده است.

انواع آرمانی آن‌طور که ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، می‌پنداشت به لحاظ نظری پدیده‌هایی برخاسته از واقعیت‌اند که اگرچه عیناً در واقعیت وجود ندارند اما پژوهشگران به منظور انجام مقایسه‌های دقیق آن‌ها را خارج از اجزای مربوط به آن‌ها می‌سازند. «نوع آرمانی» به هیچ وجه واقعیت عینی نیست، بلکه چیزی است که پژوهشگران به کمک آن می‌توانند جوهر واقعیت را بشناسند. البته نوع آرمانی می‌تواند قالب ذهنی یا کلیشه‌ی ذهنی شود و به جای آن که راه تحلیل را باز کنند، راه را ببندد. از این رو، نباید واقعیت عینی را به نوع آرمانی تقلیل داد، ولی می‌توان از نوع آرمانی برای فهم واقعیت عینی بهره برد. نوع آرمانی، برخلاف بار معنایی مثبت واژه‌ی «آرمانی»، در این جا معنایی مثبت ندارد و در کل نوع آرمانی لازم نیست مثبت یا صحیح باشد، می‌تواند منفی و حتا به لحاظ اخلاقی ناپسند باشد.

توجه انتقادی به نوع آرمانی، واکاوی و نقد آن راهی در خورِ ملاحظه برای آغاز تغییر است. اینک نوع نسبتاً آرمانی ما در جنبش #من هم یک شخص است: محسن نامجو. نمونه‌ای که با کردار، رفتار و گفتارش بیش از آنچه انتظار داریم قابل ارجاع شده است. او نوع نسبتاً آرمانی است چون متهم به تجاوز و آزارگری است، چون کسانی که آزار و تجاوز او را افشا کرده‌اند اشخاصی واقعی‌اند و پای و کیل و قانون وسط است، قانونی که از قضا متعلق به کشوری است که دستگاه قضایی آن سکولار است. (وجود وکیل مدافع و قانون در مسئله‌ی آزارجنسی برای هر دو طرف بسیار اهمیت دارد.) نامجو برای این جنبش نوع نسبتاً آرمانی است چون مشهور است پس پای شمار زیادی از مردم وسط است

و توجه بیشتر مردم به او باعث می‌شود توجه کنشگران و رسانه‌ها هم بیشتر به او جلب شود؛ به‌واقع اگر فردی گمنام به دیگری تجاوز کند و فرد آزاردیده روایتش را برای دیگران بیان کند معمولاً این مسئله گاهی به همدلی با آزاردیده، گاهی به بی‌اعتنایی و حتا متهم شدن خود آزاردیده و در بیشتر موارد به فراموشی منتهی و پرونده بسته می‌شود. اما وقتی آزارگر فرد شناخته‌شده‌ای باشد توجه بیشتری به مسئله جلب می‌شود و می‌توان به فعال شدن خرد جمعی و در نتیجه به تغییر شرایط امیدوار شد، از این رو مورد نامجو توجه بیشتری را به مسئله‌ی اجتماعی تجاوز جنسی و آزارگری برانگیخته است.

همچنین نوع نامجو نسبتاً آرمانی است چون او در کلامش، در نهایت، همان گفتار زن‌ستیز و همجنس‌گراستیز را بازتولید می‌کند: تهدید می‌کند، تحقیر می‌کند، حاشا می‌کند، می‌کوشد بر موج همجنس‌گراهراسی سوار شود و از این راه طرفدارانش را بسیج کند. این رفتارها و گفتارهای نامجو وجوه تاریکی را روشن می‌سازد که جنبش‌های برابری طلب و مبارزان علیه خشونت و سرکوب چند سده است به دنبال بیان، تصریح و اثبات وجود آنند. نامجو این موارد را تصریح می‌کند، وقتی تهدید می‌کند تصریح می‌کند که تجاوز با تهدید همراه است و تصریح می‌کند که جنس این نوع تهدید چیست. نامجو نوعی نسبتاً آرمانی است چون می‌تواند برگ مهمی به تاریخ مبارزات زنان اضافه کند، چراکه بخش زیادی از وجوه تاریک این نوع واقعیات تلخ اجتماعی در ماجرای وی خود را به شکلی آشکار نشان می‌دهد.



محسن نامجو Mohsen Namjoo  
@OfficialMNamjoo

حضور آقای نامجو برای اولین و آخرین بار در کلاب هاوس، اسرار زندگی و پرونده های افراد. ماجرای شکایت از ایران اینتل. فایل صوتی شادی امین. دفاع تمام قد از فایل صوتی لو رفته. وانتشار اصل آن. سر بریده ی رومینا، بازیچه ی جنبش فاحشگان غرب نشین شد. وعده ی ما بعد از انتشار آلبوم در کلاب هاوس.

Translate Tweet



محسن نامجو Mohsen Namjoo  
@OfficialMNamjoo

طبق مدارک ، ایران اینترنشنال یک شبکه ی جعلی است با پول پولشویی. همه ی این ها به همراه عکس های خصوصی آن خبرنگار بی شرف ، و همکار خانمش. و دو رویستان. این شبکه باید تعطیل شود. بایکوت ابدی شادی امین و شادی صدر. فعلا آلبوم. ضمنا ۱۳ آلبوم دیگر در راه است. به فکر "مرجان" بعدی باشید.

توییت های محسن نامجو در تاریخ ۲۲ مه ۲۰۲۱

آنچه نامجو آشکار می کند همان است که باید تغییر کند، او علاوه بر این که زنان آزار دیده را تهدید و دعوت به سکوت می کند، خبرنگاری را که گزارش خبری از این وقایع تهیه کرده است هم تهدید می کند: «من دست از سر شخص شما بر نمی دارم، آماده ی به خاک نشستن باش، کم نقطه ی تاریک نداری» در تهدید نامجو عبارت «کم نقطه ی تاریک نداری» را می بینیم، به تعبیر نامجو آن خبرنگار نقاط تاریکی در زندگی اش دارد و نامجو قصد دارد آنها را روشن کند. اما، به واقع، کاری که نامجو با رفتار و گفتارش در کل این ماجرا می کند این است که نقاط تاریک سرکوب ها، تهدیدها، تجاوزها و آزارهای کهنی را روشن می کند که قرن هاست انسان ها از آن رنج می برند.

نامجو جنبش #من هم را «جنبش فاحشگان غرب نشین» نامید، تاریخ بلندبالایی پشت «فاحشه» نامیدن زنان و دوگانه سازی شرق/غرب است، نامجو از عبارت «سر بریده ی رومینا» استفاده می کند و تاریخ طولانی و برانگیزنده ای، به خصوص در میان شیعیان، پشت عبارت «سر بریده» است. نامجو تصریح همان ساختار موجود است؛ ساختاری که آزارجنسی در آن رخ می دهد و نقاط آسیب زای این ساختار و آنچه را به تغییری اساسی نیاز دارد به ما نشان می دهد. مورد نامجو مهم است چون با اشاره به نام زنی لژیون به لژیون ها حمله می کند و تاریخ بلندی پشت این نوع حمله به جامعه ی LGBTQ است. او تلاش

می‌کند میان فعالان حقوق زنان اختلاف بیفکند و آنان را به «باسواد و بی‌سواد»، «زشت و زیبا» و «آدم‌حسابی و آدم‌ناحسابی» تقسیم می‌کند. نامجو وجوه ناپیدا و پیچیده‌ای را در ساختار مردسالار و ساختاری که آزارجنسی در آن به راحتی رخ می‌دهد روشن می‌سازد. نوع نسبتاً آرمانی نامجو، اقتدار برخاسته از موقعیت برتر، زن ستیزی، همجنس‌گراستیزی و تفرقه‌اندازی و قدرت نگاه به زن به مثابه‌ی ابژه‌ی جنسی صرف را آشکارا تصریح می‌کند. مسئله‌ی نامجورا می‌توانیم از هنر او جدا ببینیم، اما در هنر او نیز لایه‌های آشکار و پنهان این نگاه جنسیتی بوده است؛ مثلاً وقتی در آوازی خواند «[تا حالا زنی که پل ریکور بخونه دیدی؟... دانشای الکی... تا حالا با زنی که پل ریکور خون باشه... هوم؟](#)» و شلیک خنده‌ی حضار!، نشان داد که ترانه‌ی «روشنفکری» چه گونه می‌تواند ابزار بازتولید نگاه نابرابر به زن باشد؛ به بیانی دیگر، در جامعه‌ای که نامجو آن را در آوازش نشان می‌دهد زنان روشنفکر ادای فلسفه خواندن درمی‌آورند و بحث‌های آنها «دانش‌های الکی» است و در جای دیگر از نظر او زنانی که #من‌هم ایران را راه‌انداخته‌اند «[سردرگم‌اند و نمی‌دانند چه می‌خواهند](#)» ولی نامجو «[ببخشید، با کمال تواضع عرض](#)» می‌کند «یک ساعت» از نفس کشیدنش برابر با «شش ماه زندگی هر کدام» از زنانی است که او را به آزار متهم می‌کنند و به رفتار و گفتار او معترض‌اند و آن زنان خبر ندارند که «دارند چه کسی را از کار می‌اندازند».

محسن نامجو در [فایل صوتی‌اش](#) جنبش #من‌هم در ایران را «نبرد زامبی‌ها» خواند و در [ایمیلی](#) که برای یکی از از زنان آزاردیده‌ی افشاگر ارسال کرد نوشت: «صد سال دیگر این اسم من است که آن بالاست و این حرکت شما تا یک ماه دیگه فراموش شده». مورد نامجو هرآنچه جنبش #من‌هم علیه آن فعالیت می‌کند، یعنی تمام آنچه آزار (جنسی، کلامی، رفتاری، روانی) محسوب می‌شود، یعنی تمام آنچه این جنبش برای آگاه‌سازی درباره‌ی آن و مبارزه با آن و رفع آن به پا خاسته است در خود دارد، همه را جلوی چشم

ما می‌گذارد. نسبت ماجرای محسن نامجو با این جنبش طوری است که انگار ماجرای او به ما می‌گوید: «این گوی و این میدان، حالا بگو من دقیقاً همین‌ها را نمی‌خواهم!»

برخی از ما روزی موسیقی نامجو را دوست داشتیم، بسیاری از مردم که اصلاً پی‌گیر این افشاگری‌ها نیستند موسیقی نامجو را دوست دارند و آدم‌هایی پس از ما خواهند آمد که موسیقی نامجو را دوست خواهند داشت و آن را تحلیل خواهند کرد. اما برای آن گروه از ما که دغدغه‌ی حقوق بشر (از جمله حقوق زنان و کودکان، قومیت‌ها و جنسیت‌ها و پیروان مذاهب مختلف) داریم مورد نامجو مهم است چون او در این‌جا به نوع نسبتاً آرمانی متجاوزان و بازیگران فرادست در ساختاری که راحت تجاوز می‌کند تبدیل شده است. نامجو بسیاری از مسائل جنبش #من‌هم را با زبانی ساده‌تر، سری‌تر و صدایی بی‌لرزش‌تر بیان می‌کند. نامجو در فایل عذرخواهی‌اش که کمی پیش از فایل صوتی حمله‌اش به زنان معترض منتشر شد گفت: «[من با جان و دل با این حرکت زنان همراه خواهم بود](#)»، اینک او تا حدی با این حرکت همراه شده است اما همراهی او در جایگاه نوعی نسبتاً آرمانی است که هرآنچه جنبش #من‌هم با آن مخالف است و برای رفع آن مبارزه می‌کند را در خود دارد.

برای آگاهی بیشتر:

- فایل صوتی محسن نامجو را در [اینجا](#) گوش کنید.
- گزارش بی‌بی‌سی فارسی را در [اینجا](#) ببینید.
- گزارش‌های ایران‌اینترنشنال را در [اینجا](#) و [اینجا](#) ببینید.
- ترانه‌ی «الکی» محسن نامجو را می‌توانید در [اینجا](#) بشنوید.